

## «ذوالقرنین در قرآن کیست؟»

این پرسش يك كشف تاريخی است. تاکنون روشن و آشکار نبوده که حقیقتاً ذوالقرنین در قرآن مجید که بود و آنچه در کتاب آسمانی از آن وصف شده و چگونگی اخلاقی آنرا تشریح نموده بکدام يك از مردان بزرگ تاریخ تطبیق میکند؟ بویژه اینکه در قبال سئوالیکه عده‌ای از پیغمبر اسلام من میکنند و خداوند بوسیله پیغمبر بدان پاسخ میدهد برای پیروان دین اسلام حائز کمال اهمیت است و حقا در باره روشن کردن این موضوع از طرف مورخین بزرگ تفحص شده ولی در این بررسی که بایستی در صفحات تاریخ جستجو میکردند و صفات را که در قرآن مجید از آن یاد شده تدقیق مینمودند به بحث معنوی و گفته اشخاص بیشتر توجه شده و خواستند که از خود لغت، شخص مورد نظر را پیدا کنند از اینرو بتاویل ناروا در باره ذوالقرنین پرداختند و برای آن، معانی از خود ساختند تا بتوانند بشخص مورد نظر تطابق دهند و بایستی کاملا باور و تصدیق کرد قبل از خواندن خطوط باستانی ما و پیدا کردن مجسمه کوروش که يك تاریخ زنده است روشن نمودن قضیه ذوالقرنین بسیار دشوار و بلکه مجال بود خلاصه اینکه علم الاناری نبود. تهاجم گروه نیگانه بکشور ما نابودی آثار فرهنگی و تمدنی ما را در برداشت و آنچه مانده است و یا میخواست شخص محققى بدست آورد ناچار بود از خرید بیگانگان کمک بخواهد و بگفتار و نوشته‌های آنان یعنی دشمنان ایران روی بیاورد خوشبختانه تاریخ ایران و آثار برجسته آن و بزرگواری و بزرگی مردان تاریخ و پادشاهان نامی آن که دارای روح بزرگ انسانی و انسان دوستی و دانش پژوهی و خدا پرستی بودند مورد گواهی و تصدیق بیگانگان و مغلوبین و دشمنان ایرانست اینك اصل موضوع ذوالقرنین در لغت بمعنی صاحب دوسر- دوشاخ. قرن بمعنی سر- شاخ گوشه‌های جهان- صد سال- پنجاه سال- سی سال ۲۵ سال- ۱۰ سال و بعضی زمان اراده کردند میباید در ترجمه تاریخ طبری (محمد بن جریر طبری) که از بلعمی است آمده است: چون مردمان مکه با دلیل و حجت نتوانستند بر پیغمبر خود (حضرت محمد) غلبه کنند و وامانندند. کسانی (ابو جهل بن هشام- ولید بن مغیره) فرستادند پیش یهودیان عرب و از آنان خواستند که شما کتاب تورا را جستجو کنید و سئوالاتی از تاریخ گذشته شما پیدا کنید و بماندهید تا از پیغمبر پرسیم تا راست یا دروغگویی او معلوم گردد و از جمله سئوالاتی که برای پرسیدن از پیغمبر تهیه شد یکی ذوالقرنین - دوم روح بود تا ۲۸ سئوال بتعداد حروف زبان عرب (در ترجمه تفسیر طبری که در صفحات آخر مجله یغما شماره ۱۰۸ تیر ماه ۳۶ منتشر

شد از ذوالقرنین پرسشی ندارد ( اینک عین سؤال در قرآن کریم: و یسئلونک  
 عن ذی القرنین قل سأتلو علیکم منه ذکرا تا و لنفخ فی الصور و جمعنا هم جمعا و جم  
 آن اینست میپرسند از تو ( پیغمبر ص ) از ذی القرنین بگو بزودی میخوانم بر شما  
 از او ( ذوالقرنین ) خبری بعد خداوند چگونگی روی کار آمدن او را میفرماید  
 که ما او را روی زمین جا دادیم و اسباب و عدت برای او فراهم کردیم و او را  
 پیروزمند گردانیدیم و او را در بد رفتاری و خوش رفتاری بر مردم یاجوح و ماجوح  
 مختار کردیم و هر کس کار خوب کند جزای نیک و هر کس بد کند پاداش بد خواهد  
 داشت. اما آنچه از ذوالقرنین مورد گفتگوی ما است اینست که ذوالقرنین کیست و  
 چگونگی که خداوند برای او و زندگانی او و کارهای او در قرآن آورده است  
 بکدام یک از مردان تاریخ میتوان برابر کرد آنچه مسلم است تا قبل از پیدا شدن  
 مجسمه کوروش در

مرغاب فارس ( مطابق  
 تصویر مقابل )

آنچه مورخین قدیم  
 و دانشمندان علم الآثار  
 بررسی کردند نتوانستند  
 شخص واجد شرایط در  
 قرآن را پیدا کنند و  
 پیرامون حدس و گمان ،  
 کسانی را معرفی کردند  
 اولین کسیکه ذوالقرنین  
 را بشخص معین تطبیق  
 کرد و باعث آن شد که  
 دیگران از او پیروی  
 کردند دانشمند بزرگ  
 ابوعلی سینا بود در  
 کتاب شفا که ضمن  
 توصیف ارسطو فرمود:  
 ارسطو همان کیست که  
 معلم اسکندر بود که  
 خداوند در قرآن اسکندر  
 را ذوالقرنین نامیده است  
 امام فخر و سایر



دانشمندان هم از وی پیروی کردند حتی ابراهیم صدر الدین شیرازی ملقب بملا صدرا صدرالمتالهین صاحب کتاب اسفار اربعه در کتاب شواهد ربوبیه اش بنقل از تاریخ « ملل والنحل عبدالکریم شهرستانی » اسکندر را مولف کتابی میدانند در علم النفس و بعضی از مطالب او را در شواهد ربوبیه میآورد و همچنین آخرین حکیم الهی حاجی ملا هادی سبزواری صاحب کتاب ( لثالی منتظمه ) میگوید سارسطو علم منطق را با اشاره اسکندر ذوالقرنین برشته تحریر در آورده است البته همه دانشمندان و مورخین در این باره با هم هم اندیشه و عقیده نبوده اند ابوریحان بیرونی - ابن خلدون ، او را یکی از پادشاهان یمن که با ذواء معروفند برابر میدانند و بیشتر مورخین اسلامی از جمله بلعمی - جریر طبری - ابن بلخی - صاحب منتهی الادب - مجمل التواریخ والقصص - نظامی گنجوی شاعر او را با اسکندر رمی نسبت میدهند حتی این لقب را بحضرت علی بن ابیطالب هم نسبت داده اند .

اما مورخین جدید که شرح راهنماییهای آنان را در تطبیق ذوالقرنین بکوروش بزرگ و رد ادعای مورخین اسلامی خواهم آورد عبارتند از : **آل قمر فورستن انگلیسی** FORSJER **جیمس موریه انگلیسی** MORIER سر رابرت پورتر انگلیسی PORTER دیولا فو آفرانسوی DIEULAFORA ابوالکلام آزاد مسلمان وزیر فرهنگ هندوستان ، عقیده بر این دارند که ذوالقرنین را میتوان منطبق با کوروش نمود بس. مخصوصا کاشفین مجسمه کوروش گذشته از اینکه این مجسمه را از لحاظ فن حجاری بهترین نمونه خوب و ظریف در آن عصر میدانند او را با کلیه قصص تورات و رؤیاهای انبیا پیشی کاسلر امیل از جمله دانیال نبی ( در کتاب عهد عتیق ) یسعیاہ - یرمیاہ - عزیر - ( عزرا ) مطابق میدانند  
اینک دلایل در این باره

مردی را که از پیغمبر پرسیدند ذوالقرنین نام داشته است یسئلونک عن ذی القرنین قل سائلو علیکم منه ذکرا . این نام بالقب از جانب خدای نیست بلکه این نامرا آنانیکه ( یهودیان عرب از تورات استخراج کرده بودند ) از پیغمبر پرسیدند بر او اطلاق کردند. خداوند بدو، ملک بخشیده است و اسباب غلبه برای او فراهم کرده است و سه کار بزرگ انجام داده است .

- ۱- تا مغرب عالم رفته است یعنی جایگاهی که خورشید در چاه گرمی فرو میرفت
- ۲- تا حد شرق بجائی رسیده است که آبادان نبرده و در آن اقوام وحشی سکونت داشته اند
- ۳- بجایگاهی رسیده است که در آن تنگنای کوهی است که از پشت آن تنگنا گروهی زندگی میکردند بنام یا جوج و مأجوج که بنواحی همسایه میتاختند و بغارت میپرداختند و آنان مردمی بیخرد و محروم از مدنیت بودند ذوالقرنین در جلوی

این قوم سدی ساخت و از تاخت تازانان جلوگیری کرد . ذوالقرنین دارای صفات و چگونگی بدین شرح بوده است .

۱- بخدای و آخرت ایمان داشت ۲- پادشاهی دادگر بود ۳- هنگام غلبه با مردم برخلاف فرمانروایان و فاتحین دیگر برافت و مهربانی رفتار میکرد و کینه ورز نبود ۴- با آداب و سنن ملل مغلوب احترام میگذاشت ۵- بمال و خواسته دنیا آزمونند نبود در کتاب عهد عتیق سفری است که بدانیا لنبی نسبت داده اند که میفرماید در سال سوم سلطنت بخت النصر خوابی دیدم که در کوشک شوشان که در کشور عیلام است بودم در نزدیک نهر اولایم قوچی ایستاده صاحب دوشاخ که یکی از دیگری بلندتر و آن قوچ را از سمت مغرب و شمال و جنوب، شاخ زن دیدم و هیچ حیوانی در برابرش مقاومت نتوانست کرد و بعد بزنی از مغرب بر روی تمام زمین میآمد و آن بز را شاخ خوش منظری در چشمانش بود، و بطرف آن قوچ صاحب دوشاخی که در برابر نهر ایستاده دیدم میآمد و بقوتش بر او دوید و با غضب او را زد و هر دو شاخ را شکست و پایمالش نمود ملک جبرئیل بر دانیال ظاهر شد و این رویا را بدینسان تشریح کرد قوچ صاحب دو شاخ هاوک مادی و فارسی است و بز نیز پادشاه یونان و چون کشور ماد فارس بدست پادشاهی واحد شد پس آن پادشاه بصورت قوچ دو شاخ متصور شده است و چون لفظ قرن در عبری و عربی یکی است پس در عربی له قرنان یعنی ذوالقرنین و در عبری تو فرمائیم است و آن کسی که کشور ماد فارس را یکی کرد کوروش بود که در عبری او را خوروش - یونانی مایوس و در عربی غوروش یا قوروش یا کوروش میگویند در رویای دانیال برای یهود مزده بود باینکه پایان اسارت آن در بابل و آغاز زندگی نوین آنها وابسته بقیام اینکشور یعنی ذات القرنین است پادشاه این <sup>دول کشور</sup> (ماد یا پارس) بابل را دگر گونه خواهد ساخت و این همان پادشاهی است که خداوند برای اعانت و رعایت یهود برگزیده است وی مامور است که مجدد بیت المقدس را تعمیر کند و ملت اسرائیل را که پراکنده شده اند بار دیگر تحت رعایت خود گرد آورد بنا بر این آنچه در کشور گشائی کوروش پادشاه هخامنشی می بینیم : بابل را فتح کرد و بنی اسرائیل را آزاد ساخت و اجازه بازگشت بقلسطین داد و بنای مجدده یکل مقدس را با ایشان ارزانی داشت چنانچنان کوروش نیز بهمین راه رفتند و یهود را مورد لطف و مرحمت خود قرار دادند (بقیه در شماره بعد)

مشکلات دینی خود را با ما در میان بگذارید با کمال میل

و امتنان در حل آن شما را کمک و راهنمایی خواهیم کرد .